

بسم الله الرحمن الرحيم

روش تحقیق از موضوعاتی است که در همه علوم قدیم و جدید پیوسته مورد بحث و درس بوده است و البته همیشه در این روشها در بین علوم انسانی و علوم تجربی تفاوت‌هایی وجود داشته و نتایج مختلفی را ارائه داده است در این بخش با توجه به آنکه کتابها و نظریات فراوانی در مورد روشهای تحقیق در علوم تجربی وجود دارد و از طرفی در این نوشتار پرداختن به آنها ما را از موضوع اصلی دور می نماید زیاده به آن نمی پردازیم اما در وادی علوم انسانی ذکر این مقایسه بسیار ضروری می باشد.

بعلاوه طرح این روشها در علوم انسانی بسیار حساستر و مهمتر به نظر می رسد .

در این بخش نیز هر چند در کلیات موضوع، ممکن است تفاوتی در مفاهیم و روشهای تحقیق به روشهای غربی و اسلامی وجود نداشته باشد اما در بعضی از اصول و زیر بناهای فکری شاهد بعضی اختلافات می باشیم که نهایتا به نتایج و محصولات متفاوتی در تحقیقات این دو مکتب می انجامد.

قابل ذکر است که در این مقاله به علت اهمیت هدفی که دنبال می نمائیم اصولا به جنبه ایجابی مطلب پرداخته

می شود و آن ارائه روش تحقیق در علوم اسلامی است و از ذکر نقاط ضعف و قوت روشهای متنوع مرسوم

خودداری می نمائیم

مقایسه این الگو با سایر روشهای تحقیق با عنایت به آنکه منابع متنوع بسیاری در باره روشهای تحقیق مرسوم در

دانشگاههای امروزی کشور موجود است به خواننده گرامی سپرده می شود .

## - روش تحقیق اسلامی

مسائل و موضوعات مورد نیاز انسان از این نظر در دیدگاه اسلامی به دو گروه تقسیم می‌شوند: مسائل کلی و مسائل جزئی.

مسائل کلی که در قرآن و سنت از آن‌ها ذکر شده و از طریق نقلی پاسخ آن‌ها به ما رسیده است و نقش عقل به عنوان یک منبع اصیل در استنتاج آن‌ها، در زمان غیبت امام معصوم، خواهد آمد.

مسائلی جزئی که خداوند صریحاً در قرآن و سنت از آن‌ها ذکر به میان نیاورده است و پرداختن به پاسخ آن‌ها را صرفاً با تکیه بر عقل انسان میسر نموده است و یا امدادها و هدایت‌های الهی «الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (عنکبوت ۶۹). در قرآن به اینگونه مسائل جزئی «امور» گفته شده است. ۱

بنابراین نقل و عقل هر دو اسلامی است و تئوری‌های علوم تجربی مانند شیمی، فیزیک و زیست‌شناسی از نظر محتوای تفکیک اسلامی یا غیراسلامی نمی‌پذیرند؛ بلکه استفاده از این علوم از این نظر که در جهت چه هدفی است، حق یا باطل بودن آن‌ها را تعیین می‌کند.

آیت الله جوادی آملی در این زمینه می‌فرمایند:

آیا اگر یک مهندس سدساز ارتفاع تاج را کوتاه ساخت و صدمه‌ای به مردم رسید، خداوند او را عذاب نمی‌دهد؟ و آیا این امر توجیه می‌شود اگر مهندس بگوید که چون تو در قرآن نگفته‌ای، این طور شده است یا اگر کسی گفت که چرا تو در قرآن به ما نگفتی چگونه اورانیوم را غنی کنیم؟ ۲

---

- وَشَاوَرُهُمْ فِي الْأَمْرِ (ال عمران ۱۵۹). وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ (شورا ۳۸) ۱

- نقل به مضمون سخنرانی آیت الله جوادی آملی در جمع طلاب، مورخ ۲۸۷/۳/۱۱

اما موضوع جزئی، یعنی اموری که از دیدگاه اسلام قابل بر نهادن برای مشورت و استخراج آراء است بر دو نوع است:

۱- همه موضوعات و شئون حیاتی انسان‌ها و هر آنچه که زمینه صدور احکام مستند به عناوین اولی و ثانوی است، برای توضیح این مسئله می‌گوییم. همه امور فقهی در حیات فردی و اجتماعی مسلمین بر دو نوع تقسیم می‌گردند: نوع یکم: حکم، نوع دوم: موضوع (جعفری، ۱۳۸۶، ۳۱۲).

نوع یکم حکم است که شامل احکام اولیه و ثانویه می‌باشد.

احکام اولیه شامل همه تکالیف و وظایف اسلامی است که با کوشش و اجتهاد فقهاء از منابع اربعه (کتاب و سنت و اجماع و عقل) استخراج و استنباط شده و در اختیار مسلمانان گذاشته می‌شود. اما احکام اولیه مربوط به همه افعال و اعمال مکلفین است که چون به هیچ وجه قابل تغییر و دگرگونی نمی‌باشند، لذا به هیچ وجه برای مشورت و اظهار نظر مطرح نمی‌شوند.

یک مطلب بسیار مهم درباره این احکام وجود دارد که باید کاملاً مراعات شود و آن اینست که با نظر به ارتباطات شدید شئون اجتماعی مسلمین با یکدیگر و با جوامع بیگانه، اختلاف در فتوی و احکام که به جهت نظری بودن منابع فتوا یک امر طبیعی است، نباید موجب اختلال زندگی مسلمین بوده باشد. بدین منظور است که فتاوی و احکام مربوط به حیات اجتماعی حتماً باید با شورای فقهی و رهبری صادر شده و در اختیار جامعه گذاشته شود و در غیر این صورت ضررهای قابل توجه جامعه را مختل خواهد کرد.

احکام ثانویه عبارتند از احکامی که فقهای جامع‌الشرایط با نظر به خصوصیات و شرایط و موقعیت‌های مقتضی فردی یا اجتماعی صادر می‌نمایند، مانند حکم تحریم استفاده از تنباکو که مرحوم آیت الله العظمی آقا میرزا محمدحسن شیرازی رحمه الله علیه صادر فرمودند. تفاوت میان احکام اولیه و احکام ثانویه در این است که احکام

اولیه به‌طور مستقیم مستند به دلایل چهارگانه (کتاب و سنت و اجماع و عقل) است که پس از اصول و عقاید ضروری، متن دین اسلام را به‌طور ثابت تشکیل می‌دهند. در صورتی که احکام ثانویه به‌طور مستقیم مستند به دلایل چهارگانه نبوده و معلول استنباط فقیه جامع‌الشرایط با نظر به مصالح و مفسدات عارضی برای فرد و اجتماع می‌باشد. البته معنای اینکه احکام ثانویه معلول استنباط فقیه جامع‌الشرایط است، آن نیست که احکام ثانویه ارتباطی به دلایل چهارگانه ندارند، بلکه مقصود اینست که با نظر به اصول و قواعد کلی مستفاد از آن دلایل برای حفظ کیان مکلفین و جامعه اسلامی، علل و انگیزه‌هایی موجب می‌شود که فقیه جامع‌الشرایط با ولایتی که دارد یا با مشورت فقهای دیگر حکمی را برای صلاح یا برانداختن فساد صادر نماید (جعفری، ۱۳۸۶، ۳۱۳).

احکام اولیه‌ای که به جهت اضطرار و یا اکراه و اجبار دگرگون می‌شوند، مثلاً به جهت ناامن بودن راه‌ها، فقیه حکم به عدم جواز حج صادر می‌کند. این حکم ثانوی نیست، بلکه اضطرار موجب منتفی شدن وجوب حج یا حرمت آن می‌گردد، زیرا قدرت، اختیار و علم شرایط اصلی تکلیف می‌باشند.

به مجرد منتفی شدن علل و انگیزه‌های احکام ثانوی و اضطراری، آن احکام منتفی شده و موضوع محکوم به احکام اولیه خود می‌باشد.

در مقدمات صدور احکام ثانویه، فقیه جامع‌الشرایط در مواردی که احتیاج به اطلاعات و آگاهی‌های موضوعی دارد، حتماً برای به دست آوردن علم به موضوع، باید به مشورت بپردازد و بدون مشورت اگر به خطا بیفتد، معذور نخواهد بود. هر پدیده و رابطه‌ای که در انسان و جهان وجود دارد با رابطه با انسان می‌تواند موضوع حکمی قرار گیرد.

تشخیص و تحقیق در ماهیت موضوعات و ارتباطاتی که با شئون انسانی مربوط است، یک قانون اصیل است که بهترین راه برای به‌دست آوردن واقعیات در امور نظری می‌باشد. بنابراین ملاحظات، فقه و حقوق اسلامی در

تقسیم‌بندی معروف و رسمی، فقط پیشرو یا پیرو قرار نگرفته، بلکه دارای هر دو جنبه پیشرو و پیرو می‌باشد. جنبه پیشروی فقه و حقوق اسلامی در احکام اولیه است که تعریف آن را در گذشته بیان کردیم (جعفری، ۱۳۸۶، ۳۱۴).

اسلام در آن احکام چون بازگوکننده مصالح و مفاسد فطرت و طبیعت مادی و روحی دائمی انسان‌ها است، پیشرو محض است و هیچ فرد و جمعی حق تغییر دادن آن‌ها را ندارد. جنبه پیروی فقه و حقوق اسلامی در موضوعات و زمینه احکام ثانویه است که تحقیق و تشخیص آن‌ها به عهده خود مردم است، آن مردمی که از آگاهی کامل و عدالت یا وثوق برخوردار بوده باشند و از اینجا است که می‌گوییم: «حکومت مردم بر مردم» به این معنی در اسلام جریان دارد، زیرا چنانکه ملاحظه شد، انتخاب شئون حیات و کیفیت آن‌ها در زمینه همه موضوعات زندگی مادامی که با نهی صریح برخورد نکند، در اختیار خود مردم است و چون اسلام این اختیار در انتخاب را پذیرفته و شورا و جماعت را بر مبنای (ید الله مع الجماعه) اصل قرار داده است، بنابراین حکومت مردم بر مردم را در یک معنای عالی پذیرفته است (جعفری، ۱۳۸۶، ۳۱۰).

در پیوست جمع‌بندی ساختاری که روش تحقیق اسلامی در دو سطح کلی و جزئی بیان می‌نماید ارائه شده است. ۳. امور مستحدثه و جاریه و جزئی که در قرآن با واژه امور جزئی از آن‌ها نام برده شده است نیز نمونه فوق حاکم است. ۴.

---

- این مدل از جمع‌بندی منابع متعدد در این زمینه استخراج گردیده است که در ذکر منابع عناوین آنها آورده شده است. ترجمه و ۳ شرح اصول استنباط علامه علی نقی حیدری ترجمه دکتر عباس زراعت و حمید مسجد سربابی اعضای هیئت علمی دانشگاه کاشان انتشارات دانشگاه کاشان (فیض)، ۱۳۷۹، کلیاتی از علم حدیث سید حسین نخلی نشر مولف ۱۳۸۱- مبادی فقه و اصول علیرضا فیض نشر دانشگاه تهران ۱۳۷۳- علم اصول شهیدآیت‌الله سیدمحمد باقرصدر ترجمه نصرالله حکمت انتشارات امیر کبیر ۱۳۶۴

- انواع حدیث از نظر سند: مستفیض/ عزیز/ غریب/ مسند/ متصل/ مرفوع/ معنعن/ معلق/ مشهور/ مصحف/ عالی و نازل/ شاذو ۴ نادر/ مزید/ مختلف/ ناسخ و منسوخ/ مقبول/ محکم/ متشابه/ موقوف/ مقطوع/ مضمهر/ مرسل/ معلل/ مضطرب/ مجهول/ مشترک/ موضوع/

چنانکه مشاهده می‌شود در بخش استحقاق مسائل جزئی در زندگی انسان‌ها، پیروی از وحی نیز به برهان عقلی اثبات می‌گردد. بنابراین ریشه و اصل همه علوم و حکمت‌ها حکمت و علم الهی است که به وسیله ارسال رسل و انزال کتب به دست ما رسیده است.

تحقیق در این روش نیز به دو شاخه عقلی و نقلی متکی است، در واقع روش‌هایی که امروزه مورد اتکای علوم تجربی است بخشی از شاخه عقلی است که با طی شدن گام‌های اکتشافی، مطالعاتی، مراجعه به آرای جامعه آماری به وسیله مصاحبه، پرسشنامه و یا مشاهده حضوری و تجزیه و تحلیل آماری به نتیجه می‌انجامد. در بخش نقلی نیز دو منبع قرآن و سنت در رأس منابع حصول حقایق، به شمار می‌آیند. در استفاده از منبع مبین قرآن مجید که از طریق تفسیر صورت می‌گیرد، اتکا به منابع زیر در دستیابی به حقایق قطعی است.

### ۳-۴-۶-قرآن، سنت، عقل و رأی

در استفاده از منابع سنت، از نظر مسائل مشترک در موضوع استنباط، اصولی تحت عنوان اصول فقه مورد اتکا قرار می‌گیرد و در تعیین مصادیق و تطبیق با موضوعات جاریه و مبتلا به جامعه اولاً محتوای اخبار، روایات و احادیث مورد بررسی قرار می‌گیرد و ثانیاً نقل‌کننده و راوی از جهات مختلف مورد مذاقه است.

---

کتابهای رجال: اختیار الرجال / کشی - فهرست / شیخ طوسی / الرجال / شیخ طوسی - فهرست نجاشی / عباس نجاشی

کتابهای اصلی حدیث: تهذیب و استبصار (شیخ طوسی) / من لا یحضر الفقیه (شیخ صدوق) / کافی (کلینی)

جوامع الحدیث: الوافی (فیض کاشانی) / بحار الانوار (مجلسی) / وسائل الشیعه (حر عاملی) / جامع الاحادیث (بروجردی) -

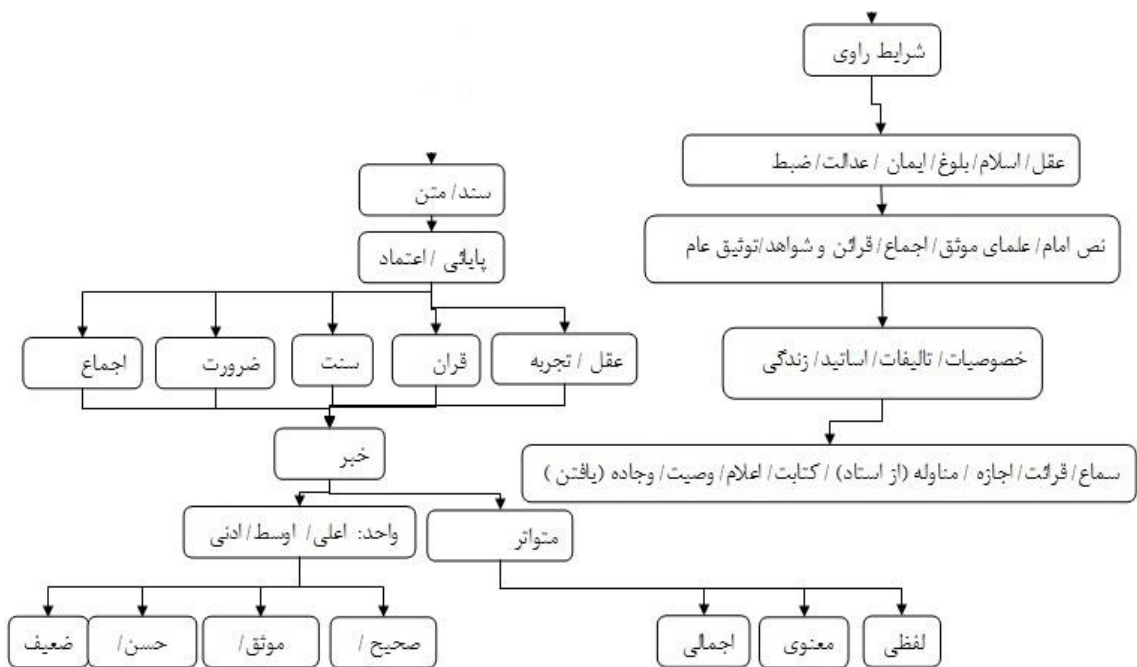
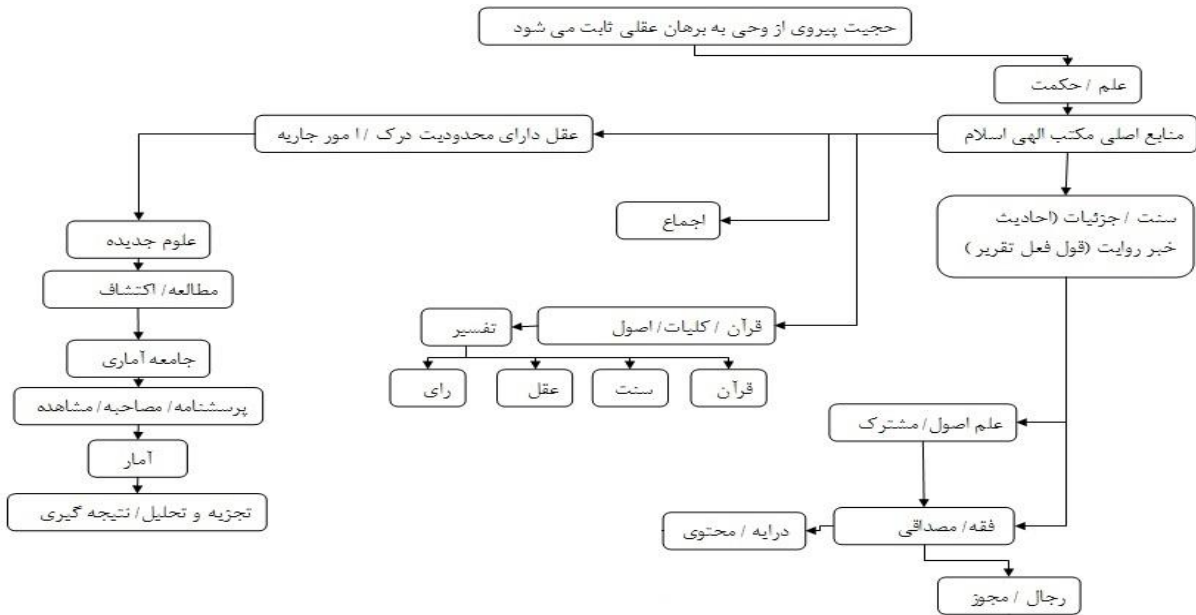
انواع کتابهای حدیث / امالی (مجلس) - جامع (کلیات) - سنن (فقهی) - صحیح / روایات صحیح - مستخرج / حدیث دیگران / مستدرک / تکمیل - مسند / صحابه - معجم / حروف الفبا - نوادر / نادر و متفرق

پایایی و اعتماد به محتوای حاصل از روایات و احادیث نیز با استفاده از قرآن، سنت، ضروریات مذهب، اجماع و عقل و تجربه حاصل می‌گردد و در بررسی شرایط راوی نیز عقل، بلوغ، دیانت، ایمان، عدالت و سایر خصوصیات وی مورد نظر قرار می‌گیرد.

اکنون روش‌های اساسی که در تدوین اسناد راهبردی (هدف، سیاست و راهبرد) در اسلام مطرح می‌باشد را ذکر می‌کنیم.

روى آورد تلفیقى	روى آورد برون دینی	روى آورد درون دینی	
		از حیث پارادایم	از حیث ابزار و روش
تطبیقى/ میان رشته‌ای	تجربى/ تحلیلى/ تاریخی/ پدیدار شناختی/ وجودی  نگر	هرمنوتیکی	غیر ماثور قرآن با قرآن / ماثور به معنى اعم قرآن به روایت/ ماثور به معنى اخص
		سمانتیکی	رمزى/ علمی/ فلسفی/ عرفانى

جدول روش‌های تحقیق دینی





### مشورت

مشورت به معنی استفاده از رأی دیگران در امور و موضوعاتی که تصمیم گیری در آنها لازم است. در مشورت فرد به طور جداگانه و یا به طور جمعی، نظریات و راه حل های سایرین را در زمینه مورد نظر جویا می گردد و نهایتاً تصمیم گیری توسط خود شخص صورت می گیرد.

قرآن می فرماید: **وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ. ٥**

برای تصمیم گیری های آینده از آنان مشورت بگیر اما هنگامی که تصمیم گرفتی قاطع باش و به خدا توکل کن و آن را عملی ساز.

**وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ (شورا ۳۸)**

و آنها که دعوت پروردگارشان را اجابت کرده و نماز را برپا داشته و کارهایشان به طریق مشورت در میان آنها صورت می گیرد و از آنچه به آنها روزی داده ایم انفاق می کنند (شورا ۳۸).

راغب می گوید: کلمه تشاور و مشاورت و مشورت به معنای استخراج رأی صحیح است، به اینکه آدمی در مواقعی که خودش درباره کاری رأی صحیح ندارد، به دیگری مراجعه کند و از او رأی صحیح بخواهد و این کلمه از ماده شور گرفته شده، عرب می گوید: «شِرتُ العسل» یعنی من عسل را از کندویش استخراج کردم و در قرآن کریم نیز سخن از مشاوره رفته، فرموده: «وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» و کلمه شوری به معنای آن پیشنهاد و امری است که

درباره‌اش مشاوره شود. این کلمه نیز در قرآن آمده، فرموده: «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ» و بنابراین معنای آیه چنین می‌شود: مؤمنین آن‌هایند که هر کاری می‌خواهند بکنند، در بینشان شورایی می‌شود که پیرامونش مشورت می‌کنند و از گفتار بعضی از ایشان برمی‌آید که کلمه شوری مصدر است و بنا به گفته آنان معنا چنین می‌شود: کار مؤمنین مشاورت در بین خویش است و به هر حال، چه به آن معنا باشد و چه به این معنا، در این جمله اشاره‌ای است به اینکه مؤمنین اهل رشدند و کاری می‌کنند که در واقع هم باید بکنند و در به‌دست آوردن و استخراج رأی صحیح دقت به عمل می‌آورند و به این منظور به صاحبان عقل مراجعه می‌کنند در نتیجه آیه شریفه قریب المعنی با آیه شریفه «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» خواهد بود.<sup>۶</sup>

در مشورت کردن محاسنی همچون تفقد از نیروها و دخیل کردن آن‌ها در تصمیم‌سازی، شکوفایی استعدادها گزینش بهترین رأی ایجاد انگیزه و علاقه برای اجرای تصمیم نهایی نهفته است.<sup>۷</sup>

حجت الاسلام قرائتی در استنتاجی که از آیات مربوط به مشورت دارد می‌گوید: مشورت تصمیم‌ساز است و منافاتی با تصمیم‌گیری قاطع مدیر ندارد در کنار فکر، مشورت و تصمیم‌گیری توکل بر خدا لازم است (قرائتی، ۱۳۸۸، ۳۵).

فایده دیگری که مشورت کردن و توجه به نظرات دیگران به‌دنبال دارد آن است که تصمیمات معقول و مناسبی اتخاذ و راه درست انتخاب می‌شود.

---

- تفسیر المیزان<sup>۶</sup>

- شوری آیه ۳۸ و نمل آیه ۳۲ / ۷۳۳

مشورت کردن، به‌ویژه مشورت با افراد خردمند، صاحب نظر و متخصص، می‌تواند فرد یا سازمان را به‌سوی دستیابی به راه‌های مطلوب‌تر و صحیح‌تر رهنمون گرداند.

مولی‌الموحیدین علی علیه‌السلام می‌فرماید: مَنْ شَاوَرَ ذَوِي الْأَنْبَابِ دَلَّ عَلَى الرَّشَادِ؛ هر کس که با صاحبان اندیشه مشورت کند، به راه درست رهنمون شود.

در این زمینه حضرت علی علیه‌السلام توصیه‌هایی در انتخاب افرادی که مشورت با آن‌ها صلاح است می‌فرماید و از مشورت با بخیل، ترسو و آرزومند نهی می‌فرماید. ۸.

و در جایی نیز در رعایت توجه و اهمیت به محتوی کلام را به جای نگاه کردن به شخصیت و موقعیت در فرمایش زیر بیان می‌نمایند:

أَنْظُرِ إِلَى مَا قَالُوا وَلَا تَنْظُرِ إِلَى مَنْ قَالُوا. ۹.

الْمَشُورَةُ تَجْلِبُ لَكَ صَوَابَ غَيْرِكَ. ۱۰.

من لزم المشاورة لم يعدم عند الصواب مادحا وعند الخطاء عاذرا. ۱۱.

الِاسْتِشَارَةُ عَيْنُ الْهَدَايَةِ. ۱۲.

مشورت تصمیم‌ساز است و منافاتی با تصمیم‌گیری قاطع مدیر ندارد.

---

- نهج البلاغه نامه ۸۵۳

- تحرير المواعظ العددية ۱۹۴ الفصل الرابع مما روته الخاصة و العامة عن أمير المؤمنين عليه السلام.... ص : ۹۱۸

- غررالحکم شماره ۱۰۱۰۰۶۰

- غررالحکم شماره ۱۱۱۰۰۶۴

- غررالحکم شماره ۱۲۱۰۰۶۶

در کنار فکر و مشورت و تصمیم‌گیری توکل بر خدا لازم است (قرائتی، ۱۳۸۸، ۳۵).

## تضارب آراء

در تضارب آراء مسئله و گزینه‌های مورد تصمیم‌گیری در بین افراد مطرح می‌گردد و افراد آراء خود را در ابعاد مختلف بحث، مطرح می‌نمایند. در این روش علاوه بر اقداماتی که در مشورت صورت می‌گیرد، افراد حاضر به دفاع از رأی خود و یا رد رأی دیگری و یا شرح و بسط رأی خویش و دیگران نظرات خود را بیان می‌کنند و نهایتاً جلسه از ترکیب، تمایز و یا تجزیه آراء بهترین گزینه را استخراج و مورد تصمیم‌گیری قرار می‌دهد.

امیر مؤمنان علیه‌السلام در ضمن توصیه به مشاوره و استفاده از نقطه نظرهای دیگران، به این روش اشاره کرده و می‌فرماید: «اضربوا بعضَ الرأیِ ببعضِ یتولّد منه الصّوابُ»؛ تضارب آراء داشته باشید تا درستی و حقیقت از آن متولد گردد.

در غرر الحکم امیر مؤمنان می‌فرماید: «امخضوا الرأیَ مخضَ السّقاءِ ینتجَ سدید الآراءِ»؛ رأی‌ها را مانند جنباندن مشک به هم زنید تا رأی درست و محکم برایتان به بار آورد. ۱۳.

«مَن استقبلَ وجوهَ الآراءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الخَطَآءِ»؛ کسی که آراء را با هم برخورد دهد، مواضع خطا را می‌یابد.

گروه‌نخبگان در این روش به منظور بحث درباره موضوع مشخصی تشکیل می‌گردد. باید تعداد و نیز دانش اعضا در گروه مباحثه یکسان باشد و اعضا تعصبی نسبت به موضوع نداشته باشند. در گروه‌های اندیشه که نوع دیگری از گروه‌هاست، تعدادی از دانشمندان پای‌بند به یک خط فکری خاص دور هم گرد می‌آیند و با همکاری یکدیگر به تبلیغ و گسترش دیدگاه خود می‌پردازند (شفیع‌آبادی، ۱۳۸۲، ۹۵).

## غریال کردن

در این روش آراء خبرگان و صاحب نظران هر یک به طور مستقل مطرح می شود و به مراتب و به دفعات مختلف بهترین آراء از میان آن ها بر اساس ملاکها، انتخاب می شود. این عمل تا آنجا که تعداد آراء به حد عملی و قابل وثوق و اطمینان برسد، ادامه می یابد و نهایتاً اکمل و اهم آراء مشخص و معین می گردد.

«اضْمُمْ آرَاءَ الرَّجَالِ بَعْضُهَا إِلَى بَعْضٍ ثُمَّ اخْتَرْ أَقْرَبَهَا إِلَى الصَّوَابِ وَابْعَدَهَا مِنَ الْإِثْمِ»: آراء مردان را بعضی بر بعضی دیگر همراه نما (مقایسه نما) و سپس نزدیکترین آن ها را به صواب و دورترین آن ها به شک و تردید (در صواب بودن) را انتخاب کن. ۱۴

قرآن می فرماید: الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ (زمر ۱۸). کسانی که سخنان را می شنوند و از نیکوترین آن ها پیروی می کنند، آن ها کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده و آن ها خردمندانند (زمر ۱۸).

مراد از قول به شهادت اینکه دنبالش مسئله اتباع آمده، آن قولی است که ارتباط و مساسی با عمل داشته باشد، پس بهترین قول آن قولی است که آدمی را بهتر به حق برساند، و برای انسان خیرخواهانه تر باشد و انسان فطرتاً اینطور است که حسن و جمال را دوست می دارد و به سوی مجذوب می شود و معلوم است که هرچه آن حسن بیشتر باشد، این جذب شدیدتر است و اگر زشت و زیبا، هر دو را ببیند، به سوی زیبا متمایل می شود و اگر زیبا و زیباتر را ببیند به سوی زیباتر می گراید و اما اگر به سوی زیباتر نرود و باز به همان زیبا سرگرم شود معلوم می شود که سرگرمیش به زیبا به خاطر زیبایی آن نبوده، چون اگر برای زیبایی آن بود با بیشتر شدن زیبایی، باید بیشتر مجذوب

شود و زیبا را رها کرده به طرف زیباتر متمایل شود. پس اینکه آیه شریفه بندگان خدا را توصیف فرموده به اینکه پیرو بهترین قولند، معنایش این است که مطبوع و مفطور بر طلب حقتند و به فطرت خود رشد و رسیدن به واقع را طالبند. ۱۵

جلسات مربوط به این روش تخصصی و راهبردی است که در آن‌ها نظریه‌پردازی و تصمیم‌سازی می‌شود تا پس از تدوین، چهارچوب و راهنمای برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت کشور قرار گیرد. استادان، علما، نخبگان و محققانی که در زمینه لازم تخصص دارند یا صاحب‌نظرانی که در این باره تجارب و آگاهی کاربردی با تنوع لازم را دارند، اعضای این نشست‌ها را تشکیل می‌دهند. این صاحب‌نظران قبلاً مقالاتی را بر مبنای موضوع مطرح شده ارائه می‌دهند و پس از بررسی آن‌ها، جلسات نشست به منظور تبادل نظر بهتر و غربال بهترین‌ها صورت می‌گیرد. ۱۶

### الگوپذیری

در این روش با مطالعه در تاریخ زندگانی معصومین سلام الله علیهم و آشنایی با تصمیماتی که ایشان در شرایط و موقعیت‌های مختلف اتخاذ فرموده‌اند و سپس تطبیق و مقایسه این تصمیمات با شرایط و موقعیت کنونی مورد تصمیم‌گیری، از تصمیمات و آراء آن حجج‌الهی‌الگو می‌گیریم و راه کار امور مستحدثه خویش را اتخاذ می‌نماییم. بدیهی است که اتخاذ این روش مستلزم حصول شرایط علمی، اخلاقی و مهارتی متناسب افراد برای دستیابی به نتیجه است.

---

- تفسیر المیزان ۱۵

- برداشت از نشست الگوی اسلامی، ایرانی پیشرفت در حضور مقام معظم رهبری در توصیه روشی که آراء خیرگان و ۱۶ صاحب‌نظران در این زمینه اتخاذ شود، ۸۹/۹/۱۰

امام زمان (سلام الله علیه) در پاسخ به نامه آخرین نواب خاص می‌فرمایند: وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَارِقَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ.

لازم به تأکید است که در استفاده از کلیه روش‌های فوق تدوین اولیه ملاک‌ها، شاخص‌ها و معیارهای مبتنی و متکی بر اصول و مبانی اعتقادی ضروری است؛ چون کلیه شیوه‌های فوق در اینکه آراء ارائه شده با ملاک‌ها و معیارها محکم در دین مقایسه می‌شوند، مشترکند.

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهَايَاتٍ مُحْكَمَاتٍ أَمْ الْكِتَابِ وَأَخْرُ مُتَشَابِهَاتٍ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ (آل عمران ۷).

او کسی است که این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کرد، که قسمتی از آن، آیات «محکم» (صریح و روشن) است، که اساس این کتاب می‌باشد؛ (و هرگونه پیچیدگی در آیات دیگر، با مراجعه به این‌ها، بر طرف می‌گردد) و قسمتی از آن، «متشابه» است (آیاتی که به خاطر بالا بودن سطح مطلب و جهات دیگر، در نگاه اول، احتمالات مختلفی در آن می‌رود؛ ولی با توجه به آیات محکم، تفسیر آن‌ها آشکار می‌گردد) اما آن‌ها که در قلوبشان انحراف است، به دنبال متشابهات هستند، تا فتنه‌انگیزی کنند (و مردم را گمراه سازند)، و تفسیر (نادرستی) برای آن می‌طلبند؛ در حالی که تفسیر آن‌ها را، جز خدا و راسخان در علم، نمی‌دانند (آن‌ها که به دنبال فهم و درک اسرار همه آیات قرآن در پرتو علم و دانش الهی) می‌گویند: «ما به همه آن ایمان آوردیم، همه از طرف پروردگار ماست» و جز صاحبان عقل، متذکر نمی‌شوند (و این حقیقت را درک نمی‌کنند) (آل عمران ۷).

فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (قصص ۵۰).

هرگاه این پیشنهاد تو را نپذیرند، بدان آن‌ها از هوس‌های خود پیروی می‌کنند و آیا گمراه‌تر از آن کس که پیروی هوای نفس خویش کرده و هیچ هدایت الهی را نپذیرفته است کسی پیدا می‌شود؟ مسلماً خداوند قوم ستمگر را هدایت نمی‌کند (قصص ۵۰).

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. (اعراف ۱۵۷).

آن‌ها که از فرستاده (خدا) پیامبر «امی» پیروی می‌کنند، کسی که صفاتش را در تورات و انجیلی که نزدشان است می‌یابند و آن‌ها را به معروف دستور می‌دهد و از منکر باز می‌دارد، پاکیزه‌ها را برای آن‌ها حلال می‌شمرد، ناپاک‌ها را تحریم می‌کند و بارهای سنگین و زنجیرهایی را که بر آن‌ها بود (از دوش و گردنشان بر می‌دارد). آن‌ها که به او ایمان آوردند و حمایتش کردند و یاریش نمودند و از نوری که با او نازل شده پیروی کردند آنان رستگارانند (اعراف ۱۵۷).

#### ۵-۴-۷-۶- آداب حضور در جلسات و حقوق متقابل افراد

چنانکه گفته شد مهم‌ترین رکن در روش اجرایی تدوین اسناد راهبردی جلسات نخبگان و صاحب‌نظران است که با الگوهای فوق تشکیل می‌شود. اما تجربه نشان می‌دهد که از شایع‌ترین چالش‌های مبتلا به در اینگونه جلسات، که اغلب نتیجه‌گیری اساسی جلسات و دستیابی به اهداف اصلی آن‌ها را تحت الشعاع قرار می‌دهد، رعایت موازین و آداب اخلاقی و ارزشی توسط اعضا است به طوری که رعایت توصیه‌هایی از نوع مقولات اخلاق عملی و تقوایی خاص اینگونه نشست‌ها بسیار در سرعت، دقت و اتقان نتیجه‌گیری و مفید، مؤثر بودن و ماحصل نهایی و بهره‌وری جلسات تأثیر خواهد داشت.



در اینجا به بعضی از این عناوین اشاره می‌نماییم:

حضرت امام سجاد علیه‌السلام در رساله حقوق خویش می‌فرمایند: اگر نظر روشنی در کار داری در نصیحت بکوش. هرچه دانی که اگر خود به جای مسئول بودی آن را به کار می‌بستی، بفهمانی و بگویی. اگر کسی را بشناسی که مورد اعتماد است معرفی کنی. در رای ناموافق وی را متهم نسازی. اگر به دلخواه تو رای دادند خدا را حمد کن و قدردانی کن و در صدد جبران باش. به رئیس جلسه احترام گذاری به او گوش دهی و به او رو کنی برای آموختن آنچه نیاز داری او را یاری کنی، عقل خود را مختص او سازی، فهم و هوش را به او پردازی، دل به او دهی به سبب ترک لذات و صرف نظر نمودن و کم کردن از شهوات، چشم‌ت را به او اندازی، رسول او باشی و آنچه را می‌آموزی به نادانان برسانی. ۱۷

همچنین در حقوقی که بایستی اعضا در جلسات رعایت کنند می‌فرمایند: نیت خود را در جلسه مرور نماید و رضایت خداوند متعال، دور نمودن جهل و نادانی از خود و دیگران و زنده کردن دین و پایدار نگهداشتن اسلام و امر به معروف و نهی از منکر از خود، بستگان و دیگران به اندازه‌ای که ممکن است را به‌عنوان نیت و هدف در نظر داشته باشد.

در نامالیقات و سختی‌ها صبر داشته باشد و به قدر توان تلاش و کوشش کند و عمرش را در راه دنیای پست و زودگذر صرف نکند و خودش را به وسیله طمع ذلیل نگرداند و از کینه‌توزی و حسدورزی دوری نماید و از تکبر خودداری کند. به سراغ متون برود چنانکه گفته شد بر شما باد به پرداختن به متون نه اینکه به اندازه‌ای در پی حاشیه باشد که از اصل باز ماند. رئیس از داناترین و پرهیزکارترین و مُسن‌ترین افراد باشد. اعضای با تقوی، دارای طبع مستقیم یعنی نه کج‌سلیقه باشد و بی‌حال، تنبل، بی‌کاره و پرحرف و مفسد و فتنه‌گر نباشد. از اخلاق و رفتار ناپسند

دوری کند؛ در این راه جدیت و مواظبت و پیگیری و مداومت داشته باشد. دارای همت باشد اما اگر همت داشت ولی دارای جدیت نبود و یا اینکه در کارش جدی بود ولی همت و هدفی بلند نداشت، نمی‌تواند بیش از اندکی از علم را به دست آورد. مطالب آموخته را طرح نماید و روی آن‌ها بحث کند.

مباحثه باید همراه با انصاف و آرامش و تأمل باشد و از غوغاگری و عصبانی شدن دوری کند؛ چون مباحثه و مذاکره علمی یک نوع مشورت کردن است و مشورت کردن برای به دست آوردن نظر صحیح انجام می‌گیرد و با غوغا به پا کردن و عصبانی شدن، نظر صحیح به دست نمی‌آید، بلکه با تأمل و انصاف این کار امکان‌پذیر است. با انسان منصف که دارای طبعی بی‌آلایش است بحث کن و مبادا با انسان یک‌دنده و کج‌سلیقه مناظره کنی؛ چرا که طبیعت انسان دزدی چالاک است و اخلاق شایسته و ناشایست قابل سرایت است و همجواری اثرگذار است.

پیوسته در حال تأمل در نکات دقیق علوم باشد و عادت کند به این کار چون نکات دقیق با فکر کردن و اندیشیدن فهمیده می‌شود و برای همین گفته شده بیانیدش تا بفهمی و باید قبل از حرف زدن فکر کرد تا کلام درست و صحیح باشد. چون سخن مانند تیر است و باید مانند تیر با تأمل و درنگ افکنده شود. بنابراین ناچار باید پیش از سخن گفتن با اندیشه و تأمل به کلام، قوام و استواری بخشید تا ذکر آن سخن به صواب ختم شود.

باید از همه فرصت‌ها و از همه اشخاص بهره‌برد. پیامبر اکرم(ص) فرموده: حکمت، گمشده مؤمن است، هر کجا آن را بیابد فرا می‌گیرد و گفته شده آنچه را زلال و ناب است بگیر و آنچه را تیره و آلوده است واگذار. بر خدا توکل کند و بر مشکلات صبر نماید. دلسوز و خیرخواه نسبت به دیگران باشد و حسود نباشد و با هدف رشد و کمال، سعی و تلاش کند. به کسی به ستیز بر نخیزد و دشمنی نوزد. مشغول اصلاح نفس خودش باشد، نه در اندیشه غلبه بر دشمن؛ زیرا اقدام تو به اصلاح نفس، غلبه بر دشمن را به همراه دارد و مبادا که در پی دشمنی کردن

با دیگران باشی که تو را رسوا می‌کند و اوقات را به هدر می‌دهد و باید که بردبار باشی، به‌ویژه بر آنچه که از ابلهان سر می‌زند.

بپرهیزد از سوء ظن نسبت به شخص مؤمن، چرا که باعث دشمنی است و جایز نمی‌باشد، به‌دلیل سخن پیامبر اکرم(ص) که فرمود: نسبت به مؤمنین حسن ظن داشته باشید و همانا بدگمانی و سوء ظن از باطن خراب و از نیت آلوده است. از پرخوری و زیاد خوابیدن و در مورد چیزهای بیهوده حرف زدن دوری کند. باید از پشت سر دیگران حرف زدن دوری کند و از همنشینی با پرگویان بپرهیزد؛ زیرا کسی که بسیار سخن می‌گوید عمر تو را می‌دزدد و وقتت را ضایع می‌کند. از اهل فساد و بیکاری دوری کند، چرا که همنشینی خواسته یا ناخواسته اثر می‌گذارد. رو به قبله بنشیند و نسبت به سنت پیغمبر پایبند باشد و دعای اهل خیر را غنیمت بشمارد و از نفرین مظلوم بپرهیزد و از انسان‌های صالح و درستکار طلب همت و تقاضای دعا داشته باشد.

شایسته است در رعایت اخلاقیات و مستحبات سهل‌انگاری نکند، چون هر کس که در آداب، سهل‌انگاری کند، از مستحبات محروم می‌شود و هر کس نسبت به مستحبات سستی کند از واجبات می‌ماند و هر کس به واجبات اهمیت ندهد از آخرت محروم می‌شود.

با وضو و طهارت در جلسه حاضر شود در جلسه با تعظیم و احترام گوش بدهد نه به حالت تمسخر. شایسته است نزدیک رئیس ننشیند مگر آنکه عذری داشته باشد و ضرورتی پیش آید؛ بلکه خوب است که بین او و رئیس به اندازه یک کمان فاصله باشد چون این به رعایت احترام استاد نزدیک‌تر است (طوسی، ۱۳۸۸) ۱۸.

## مراء و مخاصمه و جدال

چنانکه ذکر شد در کلیه روش‌های فوق‌الذکر آنچه مشترک است، جمع افراد نخبه و مباحثه و مناظره آرا در موضوع خاص است. در این ارتباط یکی از مفاهیم اخلاقی که در مورد آن توصیه‌های مکرری گردیده است موضوع مراء است.

مراء و جدال به معنی دشمنی و ستیزه نمودن است و اغلب در مسائل علمی و مخاصمات در امور دنیوی باشد، ولی گاهی مراء به تنهایی در جایی باشد که غرض شخص نشان دادن فضیلت و کمالات خود است و جدال در جایی که غرض عاجز ساختن دشمن و خوار نمودن اوست، استعمال می‌شود و جدل از نظر مورد، دایره‌اش ضیق‌تر از خصومت است، زیرا در جدال شدت اخذ شده، ولی در خصومت شدت اعتبار نشده است. گفته می‌شود: جدل الرجل، از باب «علم» در موردی که خصومت شدید‌ای باشد، و «جادل مجادله» هنگامی اطلاق می‌نمایند که مخاصمه کند به چیزی که جلوی ظهور حق و صواب را بگیرد.

بعضی گویند گفتاری که بر خلاف قول خصم باشد، هرچه باشد داخل در معنی مراء است. مثل اینکه شخصی می‌گوید این میوه شیرین است، خصم او بگوید چنین نیست بلکه تلخ است، یا آنکه بگوید از فلان نقطه به فلان نقطه ده فرسخ است و خصم او بگوید یک فرسخ بیش نیست و نظایر آن‌ها و هر چیزی که موجب تأذی خاطر دیگری شود، اگر انسان بگوید داخل در معنی خصومت است.

و مخفی‌نماند اخباری که در باب مراء و جدال است. محمول است بر مواردی که غرض شخص فقط اظهار فضل و غلبه بر خصم یا تعصب و ترویج باطل باشد، یا آنکه شخص توانا بر اثبات حق نباشد که موجب ازدیاد رسوخ خصم در باطل گردد، یا آنکه باطلی را به باطل دیگر ابطال نماید، یا آنکه مطلب حقی را که خصم در اثبات باطل به آن تشبث می‌کند انکار کند، یا آنکه در موردی که می‌تواند با نرمی تبلیغ کند به غلظت و خشونت متوسل شود که

موجب دشمنی و فتنه گردد، یا آنکه در موردی که تقیه لازم است آن را ترک کند که مرء و جدال در همه این موارد مذموم است، ولی اگر در اثبات حق و احیاء آن سعی باشد و در حال عدم لزوم تقیه باطلی را با دلیل‌های روشن بمیراند و نیت او ریاء و مرء نباشد. مسلم است که این عمل از اعظم طاعات است.

سه چیز است که هر کس خدا را با آن‌ها ملاقات کند از هر دری که بخواهد وارد بهشت گردد: کسی که اخلاقش را نیکو گرداند و از خداوند در نهان و آشکارا بترسد و (مرء) و ستیزه نمودن را ترک کند گرچه حق با او باشد و مقصود آنست که عظمت خداوند و ترس از کیفر و سزای اعمال ناشایسته او را از معاصی و گناهان در حضور و غیاب مردم بازدارد و مقصود از ترک مرء اینست که برای اظهار فضیلت و غلبه بر خصم و از جهت تعصب مجادله ننماید، ولی اگر محاصمه برای اثبات حق باشد بدون اینکه ضرر و اهانتی بر خصم وارد شود و حقی از بین برود قبیح و مذمتی ندارد، بلکه ممدوح و پسندیده هم می‌باشد. ۱۹

### صداقت

از مسائل بیان شده در باب جلسات، مباحثات و مناظرات صحیح و اصولی به دور از لجاجت و خودرایی و قصد و نیتی به جز حل صحیح و واقعی سؤال و مسئله است. این نکته صداقت و همسانی نیات پنهان و آشکار شخص مباحثه کننده را می‌طلبد.

در روایت آمده است که:

سَلْ تَفْقَهَا وَلَا تَسْأَلْ تَعْتَتَا: برای فهمیدن سؤال کنید و از سؤالی که برای آزمایش کردن و به چالش کشیدن مسئول

است پرهیز کنید. ۲۰

حضرت علی علیه السلام می فرمایند: اللَّجَاجَةُ تَسُلُّ الرَّأْيَ: لجاجت رای را باطل می نماید. ۲۱

### عجب

از دیگر مفاسد و آسیب های جلسات فوق الذکر عجب است. امیرالمؤمنین در زمینه عجب و خودخواهی می فرماید

که: الْعُجْبُ يُفْسِدُ الْعَقْلَ: خودبینی عقل را تباه سازد.

شَرَّ النَّاسِ مَنْ يَرَى أَنَّهُ خَيْرُهُمْ: بدترین مردم کسی است که خود را بهترین مردم ببیند.

ثَمَرَةُ الْعُجْبِ الْبَغْضَاءُ: میوه خودبینی خشم و دشمنی مردم است.

و نیز می فرمایند: الْمُسْتَبِدُّ مَتَهَوِّرٌ فِي الْخَطَا وَالْغَلَطِ: کسی که استبداد رای دارد بی باکانه خود را در اشتباه و غلط

اندازد.

خودخواهی گاهی جنبه فردی دارد و گاهی شکل دسته جمعی و گروهی به خود می گیرد. ناسیونالیزم کنونی یا

ملی گرایی در صورت منفی آن چیزی جز خودپرستی دسته جمعی نیست. هر روز در گوشه و کنار جوامع به

اصطلاح متمدن اعتصابات برای دفاع از حقوق قشری از اقشار جامعه یا افزایش حقوق کارگران و کارمندان به

چشم می خورد.

---

- نهج البلاغة، ۵۳۱، (۳۲۶ - ۳۲۰) ص ۲۰۵۳

- (قصار ۲۱۵) ۲۱

آیا هیچ اندیشیده اید که سرچشمه اختلافات و تشتت در میان انسان‌ها چیست؟ و چرا جنگ هفتاد و دو ملت در میان بشریت در گرفته، آن‌ها را به گروه‌های متخاصم تبدیل کرده است؟ این مسئله تا آنجا پیش می‌رود که عده‌ای از هر گونه کار گروهی وحشت داشته و از بیم اختلافات محتوم بعدی از هر نوع کار دسته جمعی پرهیز می‌کنند. ریشه آن وحشت و این پرهیز را در کجا باید جستجو کرد؟ گرچه گاهی اختلافات در میان انسان‌ها ناشی از عوامل فکری و اختلاف در تشخیص است، ولی این نوع اختلاف با رجوع به موازین عقلی و منطقی و تسلیم به حق قابل حل است و در هر حال منتهی به مخاصمات و درگیری‌ها و تشتت‌ها نمی‌گردد. آنچه سبب می‌شود اختلاف، تشتت و خصومت در میان انسان‌ها حکومت کند، اسارت آن‌ها در دام انواع خودخواهی‌ها و تعصبات و عقده‌های منشعب از خودخواهی‌ها است. وقتی هر کس در عالم خود به اسارت افتد و بر حول محور خود بچرخد و حاضر نشود از خودخواهی به نفع حق و حقیقت صرف‌نظر کند و به خضوع در برابر حق بپردازد، در این صورت نه تنها اختلاف امری خلاف انتظار نیست، بلکه طبیعی و قهری هم هست. اگر با کنجکاوی در مباحث و مناظرات نظر شود، معلوم خواهد گردید که در اغلب موارد گرچه به ظاهر بحث و گفتگو به نیت روشن شدن حقیقت آغاز می‌شود، اما در عمل در مسیر خود به منازعه بین خود رها می‌گردد و به همین علت اغلب به نتیجه مطلوب نمی‌رسد (سادات، ۱۳۷۸، ۳۴).

در جلسات متعدد مشاهده شده است که یک مطلب صرفاً زمانی که موجب محکومیت و تقصیر گروهی که در بخش خاصی از سازمان هستند و دارای اهمیت جمعی مربوط به خود هستند است، مورد منازعه و مخالفت قرار می‌گیرد و زمانی دیگر که به دیگران مربوط می‌شود، طور دیگر قضاوت می‌شود.

مثلاً در بررسی ضعف عملکرد سالانه، وقتی که عامل کارفرما را بررسی می‌کنیم چون به مدیران سازمان برمی‌گردد، بسیار مورد مخالفت است و هنگامی که همان اشکال صرفاً با حذف کلمه کارفرما به رأی گذاشته شد، رأی مثبت می‌آورد.

## دریافت نمادین

از موارد بسیار معمول از میان مشکلات در جلسات مباحثات، اختلافات در مفاهیم و واژه‌ها و نمادهایی است که در محاورات و تعاملات لازم در جلسات رخ می‌دهد.

این نمادها در واقع به گونه‌های مختلف نوشتاری، گفتاری و نمایشی دریافت و منتقل می‌شوند و نقش بسیار اساسی در مفهوم‌سازی و انتقال مفاهیم و منظورها در ارتباطات بین انسان‌ها دارند.

شاید بتوان واژه «کلمه» را در معنی عام آن، مهم‌ترین عاملی دانست که بدین منظور استفاده می‌شود.

در تفسیر نمونه آیه ۱۷۱ نساء در مورد اهمیت واژه کلمه آمده است که:

عیسی «کلمه» خدا بود که به مریم القا شد (وَ كَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَىٰ مَرْيَمَ) در چند آیه قرآن از عیسی علیه‌السلام تعبیر به «کلمه» شده است و این تعبیر به خاطر آن است که اشاره به مخلوق بودن مسیح علیه‌السلام کند همانطور که کلمات مخلوق ما است، موجودات عالم آفرینش هم مخلوق خدا هستند و نیز همانطور که کلمات اسرار درون ما را بیان می‌کند و نشانه‌ای از صفات و روحیات ما است، مخلوقات این عالم نیز روشنگر صفات جمال و جلال خدایند، به همین علت در چند مورد از آیات قرآن به تمام مخلوقات اطلاق کلمه شده است (مانند آیات ۱۰۹ کهف و ۲۹ لقمان) منتها این کلمات با هم تفاوت دارند. بعضی بسیار برجسته و بعضی نسبتاً ساده و کوچکند و



عیسی علیه‌السلام مخصوصاً از نظر آفرینش (علاوه بر مقام رسالت) برجستگی خاصی داشت؛ زیرا بدون پدر آفریده شد.

از این توضیحات معلوم است که واژه (کلمه) در قرآن و فرهنگ اسلامی دارای مفهومی فراتر از دریافت‌های گفتار و نوشتار است که معمولاً برداشت می‌شود و در واقع مفهومی بسیار وسیع‌تر دارد که مفهومی مانند اسماء الهی را در برمی‌گیرد که حامل تعبیرهای گوناگون و متنوعی می‌باشد و به عبارتی دیگر معنای جلوه‌هایی از آیات و اسماء خداوند را ارائه می‌دهد.

با توجه به این مطلب می‌توان تأثیر نمادها و علامات مختلفی که در ارتباطات انسان‌ها با یکدیگر ایجاد می‌شود را شناخت و قضاوت نمود که این نمادها تا چه حد وسعت و پیچیدگی دارند و به حالات مختلفی می‌توانند دریافت و منتقل شوند.

یعنی کلمات دارای بار معنایی و پشتیبانی عمیقی در ذهنیت و ضمیر افراد هستند. از اینجاست که بعضی دانشمندان می‌گویند که هر کس دارای یک دنیای مخصوص به خود است. یعنی اینکه مجموعه تصورات و مفاهیمی را که هر کس در ذهن خود ایجاد می‌نماید، در واقع دنیای او را شکل می‌دهد و بر حسب همین دریافت‌ها از جهان خارج و داخل خویش است که با دیگران رابطه ایجاد می‌نماید و مفاهیم و منظوره‌های خود را منتقل می‌کند. به همین دلیل است که گفته شده اگر انسان عمداً قصد نماید که با افکار و مفاهیم طرف مقابل خود رابطه ایجاد کند، این ارتباط صورت نخواهد گرفت و هیچ نماد مشترکی بین افراد ایجاد نمی‌گردد و مبادله نمی‌شود.

در قرآن کریم آمده است: **إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا** (نساء ۳۵).

اگر آن دو را قصد اصلاح باشد خدا میانشان موافقت پدید می‌آورد، که خدا دانا و آگاه است (نساء ۳۵)

در بررسی‌های فرهنگ از دیدگاه انسان‌شناختی، به این فرآیند، دریافت نمادین و یا نمادسازی و به مشارکت گذاشتن مفاهیم گفته می‌شود. هرچه این تشریح مفاهیم و نهادها در جمعی بزرگ‌تر صورت گیرد، فرهنگ حاصل، گسترده‌تر و پرنفوذتر است.

از نمونه‌های این بافت‌های فرهنگی می‌توان فرهنگ سازمانی را نام برد. فرهنگی که در یک سازمان و در بین عده‌ای که تحت یک قانون و مقررات و یا یک اساسنامه با هم جمع شده‌اند و همین وجوه مشترک باعث نزدیک شدن فرهنگ آن‌ها به یکدیگر گردیده است. از طرفی اگر این سازمان نتواند مفاهیم مشترکی را به اعضای خود منتقل نماید، وجوه تشریح مفاهیم و نمادهای مشترک آن‌ها کم‌رنگ‌تر و سازمان دارای انسجام و یکپارچگی کمتری می‌گردد. بسیاری از اختلافات و عدم توافقات و یا همسویی‌ها و هم‌زبانی‌ها در جلسات از همین تعاریف و مفاهیم فرهنگی سرچشمه می‌گیرد.

چنانچه قبلاً گفته شد مفاهیم از لحاظ مختلف مورد مذاقه افراد قرار می‌گیرند و لازمه مفاهمه با دیگران یک اراده درونی و یک نیت مصالحه و مبادله را از درون می‌طلبد تا رویکردها و نگرش‌ها به همدیگر نزدیک‌تر شوند و گرنه مباحثات به اقسام مغالطات و سفسطه‌ها می‌انجامد و نتیجه‌گیری میسر نمی‌گردد.

#### واپایش نفس

وَ قَدْ قَالَ النَّبِيُّ (ص) حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَ مِفْتَاحُ كُلِّ سَيِّئَةٍ وَ سَبَبُ إِحْبَاطِ كُلِّ حَسَنٍ. ۲۲

آنچه اغلب انسان را در قضاوت‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و ابراز نظرات تحت تسلط و غفلت قرار می‌دهد، حب نفس و عدم واپایش خویش است، انسان در مواقعی که وسوسه‌ای از خدشه‌دار شدن موقعیت و شخصیتش پیش می‌آید

بسیار حساس و هیجان‌زده است. حب النفس است که دنیاطلبی افراطی و اطاعت از هوای نفس را باعث می‌شود.

در جهت واپایش و خود نگهداری در این موقعیت‌ها، حضرت علی علیه‌السلام می‌فرمایند:

مَنْ كَانَ لَهُ مِنْ قَلْبِهِ وَاعِظَ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ اللَّهِ حَافِظًا: هر کس در درون خود واعظ و پند دهنده‌ای داشته باشد خداوند

برای او حافظ و نگهداری قرار داده است (که او را از انحراف و اشتباه باز دارد). ۲۳.

حقیقتاً در بحبوحه بحث‌ها و درگیری‌ها، مراقبت نسبت به عدم غفلت از حق و عدل در سخن و گفتار بسیار دارای

اهمیت است و توصیه و واداشتن نفس خویش به رعایت حقوق دیگران نشانه‌ای از هشیاری و تقوای درون است.

### احترام به دیگران

حُسْنُ الْأَدَبِ دَلِيلٌ عَلَى صِحَّةِ الْعَقْلِ. ۲۴

الْأَدَبُ فِي الْإِنْسَانِ كَشَجَرَةٍ أَصْلُهَا الْعَقْلُ. ادب در انسان همچون درختی است که ریشه‌اش عقل و خرد است. ۲۵

أَفْضَلُ الْأَدَبِ أَنْ يَقِفَ الْإِنْسَانُ عِنْدَ [عَلَى] حَدِّهِ وَ لَا يَتَعَدَّى قَدْرَهُ ۲۶. بهترین ادب‌ها آن است که انسان حد و اندازه

خود را بداند و در همان حد بماند و از اندازه خود تجاوز نکند.

آنچه از این گفتار جلب توجه می‌نماید ارتباط ادب با عقل و دانایی فرد است که خصوصاً در بحثی که مورد توجه

ماست نقش نمایانی دارد.

---

- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۷۰ / ۳۲۷ / باب ۱۳۷ الذنوب و آثارها و النهي عن استصغارها ص ۲۳۳۰

- إرشاد القلوب إلى الصواب / ج ۱ / ۱۹۹ / الباب الثالث و الخمسون في العقل و أن به النجاة... ص ۲۴۱۹

- تصنیف غرر الحكم و درر الكلم / ۲۴۷ / الأدب و العقل... ص ۲۵۲۴

- تصنیف غرر الحكم و درر الكلم / ۲۴۷ / الأدب و العقل... ص ۲۶۲۴

این است که در اینگونه جلسات، کسی که رعایت احترام و ادب دیگران را نکند، حد و قدر خود و دیگران را نشناسد و آن را نگه ندارد، چگونه رأی و نظرویی بر نتایج عقلی و علمی مباحثات و تصمیمات جلسه، تأثیر می‌گذارد.

### وظیفه‌شناسی

حضرت علی علیه‌السلام در مورد اینکه انجام وظیفه و مسئولیت هر کس در امور و در مواضع مربوط به خود، نیاز است، می‌فرمایند:

لا خَيْرَ فِي الصَّمْتِ عَنِ الْحُكْمِ كَمَا أَنَّهُ لَا خَيْرَ فِي الْقَوْلِ بِالْجَهْلِ: آنجا که گفتن باید خاموشی نشاید و آنجا که ندانند به که خاموش مانند. ۲۷

مشاهده می‌شود که در جلسات عده‌ای در بحث اصلاً شرکت نمی‌کنند که می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. یا اطلاعاتشان کم است، یا مفاهیم جلسه را درک نمی‌کنند و زمینه‌ای در این باره ندارند، یا اعتماد به نفس لازم برای صحبت در جمع را ندارند، یا آن قدر در ذهن خود مطالب مطروحه را سطح پایین و بی‌ارزش می‌پندارند که شوقی به شرکت در بحث ندارند، یا به علت عدم حضور مداوم در جلسات همراهی خود را با اعضای جلسه از دست داده‌اند.

برعکس عده‌ای هستند که بیش از حد در مباحثات صحبت می‌کنند، تقریباً با هر نکته‌ای مخالفت و انتقاد می‌کنند، بیشتر صحبت می‌کند تا اینکه فکر و دقت در محتوا نماید، به علت اعتماد به نفس بیش از حد به هرآنچه که به فکرش می‌رسد سریعاً مطمئن می‌شود و بیان می‌کند، معمولاً این افراد در مواضع خود هم بسیار مصرند و به سختی

انعطاف و رضایتی به نظردیگران پیدا می کنند، اکثرا معیار و مبنای گفته‌های اینگونه افراد در درون خود ایشان است و استناد خارجی نیز ارائه نمی‌دهند.

حضرت علی علیه‌السلام در اینکه هر فردی دارای قدر و منزلتی است که متناسب با علم و آگاهی او از بحث و تأثیرگذاری وی در جمع است، می‌فرمایند:

قِيَمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ: ارزش هر کس به آن چیزی است که خوب می‌داند. ۲۸

### اهمیت به جمع

در مباحثات آنچه انسان را از تکروری و تک‌اندیشی و استبداد رأی باز می‌دارد، اهمیت و ارزش بیشتر دادن به جمع و نظرات حاکم بر جلسه است. هرچند این قانون را نمی‌توان تعمیم و عمومیت داد که همیشه حق با جماعت و اکثریت است؛ چون آنچه حق و باطل را ملاک می‌دارد برتر از زیادتی جمعیت است، اما با توجه به انتخاب افراد و محدودیت‌ها و ارزش‌هایی که در کلیت مباحثات حاکم است، می‌توان اکثریت جمع را در این صورت ملاکی از صحت تصمیم و اتخاذ رأی نهایی فرض نمود (يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ). لازمه این امر عشق و محبت به دیگران و اهمیت دادن به آرای آن‌ها است. هرچند از طبقات ظاهرا پایین اجتماع باشند.

در فرمان تاریخی امام علی علیه‌السلام به مالک اشتر می‌فرماید:

«وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ»: قلبت را مملو از رحمت و دوستی و لطف به

مردم نما. ۲۹

---

- (قصار ۸۱) ۲۸

- بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۷، ۲۴۳، اب ۱۰ عهد أمير المؤمنين ع إلى الأشتر ره حين و لاه مصر ص ۲۹  
۲۴

إِيَّاكَ وَ الْإِعْجَابَ بِنَفْسِكَ وَ الثَّقَّةَ بِمَا يُعْجِبُكَ مِنْهَا وَ حُبَّ الْإِطْرَاءِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ أَوْثِقِ فُرْصِ الشَّيْطَانِ فِي نَفْسِهِ. از

خودپسندی بپرهیز و دوری گزین؛ از تکیه به چیزی که تو را به عجب وادارد و بپرهیز از اینکه دوست داشته باشی

که مردم تو را بستایند؛ زیرا این حالت از مهم‌ترین فرصت‌های شیطان است. ۳۰

و در نامه خود به محمد بن ابوبکر می‌فرماید:

فَاخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ وَ لِيْنْ لَهُمْ جَانِبَكَ وَ ابْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ وَ آسِ بَيْنَهُمْ فِي اللَّحْظِ وَ النَّظْرِ حَتَّى لَا يَطْمَعَ الْعُظْمَاءُ فِي

حَيْفِكَ لَهُمْ وَ لَا يَأْيِسَ الضُّعْفَاءُ مِنْ عَدْلِكَ عَلَيْهِ ۳۱. بالت را برای آنان بگستران (در مقابل مردم فروتن باش) و

پهلویت را برای آنان هموار دار (با نرمی با آنان رفتار کن) و با آنان گشاده‌رو باش و به مساوات و برابری به آنها

نظر نما تا بزرگان (صاحبان جاه) به ستم تو در راه منافع خود طمع نکنند و ضعیفان از عدالت تو مایوس نگردند.

مطالعه قبل از به جلسه رفتن

آمادگی قبل از ارائه و اداره جلسات از نکات بسیار بااهمیت است؛ زیرا متضمن مسئولیت و وظیفه‌ای است که

شخص سخنران، استاد و واعظ و یا رئیس و مسئول جلسه به‌عهده دارد.

اهمیت این امر تا آنجاست که در روایات، رفتن به جلسات قبل از آمادگی را لعنت کرده و فرد مورد نظر را ملعون

نامیده است.

در قصار ۱۷۳ حضرت می‌فرماید: «مَنْ اسْتَقْبَلَ وَجْهَ الْآرَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَا»: آن کسی که پیشاپیش رای‌ها

تاخت، درست را از خطا باز شناخت.

- تحف العقول عن آل الرسول ص ۱۴۷، عهده ع إلى الأشتتر حين ولاء مصر و أعمالها... ص ۳۰۱۲

- تحف العقول عن آل الرسول ص ۱۷۷، ثم كتب إلى أهل مصر بعد مسيره ما اختصرناه... ص ۳۱۱۷

بنابراین مسئولان جلسات بایستی قبلاً در جریان سوابق و دستور جلسه پیش‌بینی شده جلسه جاری قرار بگیرند و در تفکر و دقت از قبل پیش‌تاز دیگران حرکت کند تا جلسه به بی‌راهه نرود و نتیجه لازم در بحث‌ها شکل بگیرد.

### هزل و بیهوده‌گویی

در مورد هزل و شوخی می‌فرمایند: «عَلَبَةُ الْهَزْلِ تُبْطِلُ عَزِيمَةَ الْجِدِّ»: شوخی بیش از حد مانع تصمیم‌گیری جدی در کارها می‌شود و یا اینکه «مَنْ عَلَبَ عَلَيْهِ الْهَزْلُ فَسَدَ عَقْلُهُ»: کسی که شوخی بر او غلبه کرد عقلش تباه شود. ۳۲. بنابراین در جلسات بایستی آن زمانی را که صرف مباحثه و تصمیم‌گیری می‌شود با جدیت و دقت سپری نمود و مراقبت شود که به هزل و بیهوده‌گویی منحرف نگردد و اوقات به بطلت صرف نشود.

### حفظ اسرار

نهایتاً به حفظ اسرار جلسه می‌پردازیم که در کلام معصومین مکرراً به آن تأکید شده است. در زمینه رازداری می‌فرمایند: «مَنْ كَتَمَ سِرَّهُ كَانَتْ الْخَيْرَةُ بِيَدِهِ» کسی که راز خود را پنهان نگه دارد، اختیار آن در دست اوست. ۳۳.

و نیز می‌فرمایند: «صَدْرُ الْعَاقِلِ صُنْدُوقُ سِرِّهِ»: سینه خردمند صندوق راز اوست. ۳۴.

«الطَّفَرُ بِالْحَزْمِ وَالْحَزْمُ بِاجَالَةِ الرَّأْيِ وَالرَّأْيُ بِتَخَصُّصِ الْأَسْرَارِ»: پیروزی در دوراندیشی است و دوراندیشی در به

کارگیری صحیح اندیشه و اندیشه صحیح به رازداری است. ۳۵.

در جمع‌بندی ویژگیهای عمده این روش تحقیق عبارت است از:

---

- تصنیف غرر الحكم و درر الكلم، ۲۲۲، ذم المزح و كثرة الضحك و آثارهما، ص: ۳۲۲۲

- نهج البلاغه قصار ۳۳۱۶۲

- نهج البلاغه قصار ۳۴۶

- نهج البلاغه حکمت ۳۵۴۸

- منبع اصلی حقایق و پایه های استنتاج، کلام وحی بعنوان منشا همه علوم می باشد
- بمنظور دستیابی به حقایق اصیل این منبع، به تفاسیر، و بهترین نوع آن، تفسیر قرآن با قرآن، مراجعه میگردد.
- از آنجا که بهترین مفسران قرآن، عترت و اهل بیت می باشند مراجعه به روایات و احادیث در ذیل آیات مورد اعتصام، از مهمترین منابع و مآخذ استنتاجات می باشد.
- باتوجه به کاملاً تخصصی و فنی بودن مراجعه به منابع فوق بهره گیری از سخنان، نوشتار و گفتار پژوهشی و مصاحبه با علما و فقهای مبرز در این زمینه نیز هدایتی اساسی در دستیابی به حقایق دینی در این روش را باعث می گردد.
- نقش تحلیل محتوا نیز در راستای ارزش سنجی و تبیین مفاهیم مورد نظر نگارندگان و صاحب نظران در مورد منابع فوق، بسیار موثر می باشد.
- در اینجا بکارگیری این الگو را در روش تحقیق رساله اینجانب بعنوان مثال ذکر می گردد.

روش و منطق تحقیق در این رساله با عنایت به ویژگیهای فوق به شرح زیر است

معیارهای مفهوم شناسی (مفهوم-ویژگیها-مصادیق-ملاکها-مبانی-روشها)

چالشهای مدیریت راهبردی (احصا شده از فرمایشات رهبر معظم انقلاب- بر اساس نظریات صاحب نظران غربی- آینده نگاری- آشوب و آشفتگی- مولفه های سرمایه انسانی- ...)

معیارهای ارزیابی ارزشها (جامعیت-انسجام-مراتب داشتن-عقلانیت-فعالی فاعلی بودن) احصا شده از کتاب آیت الله (مصباح))

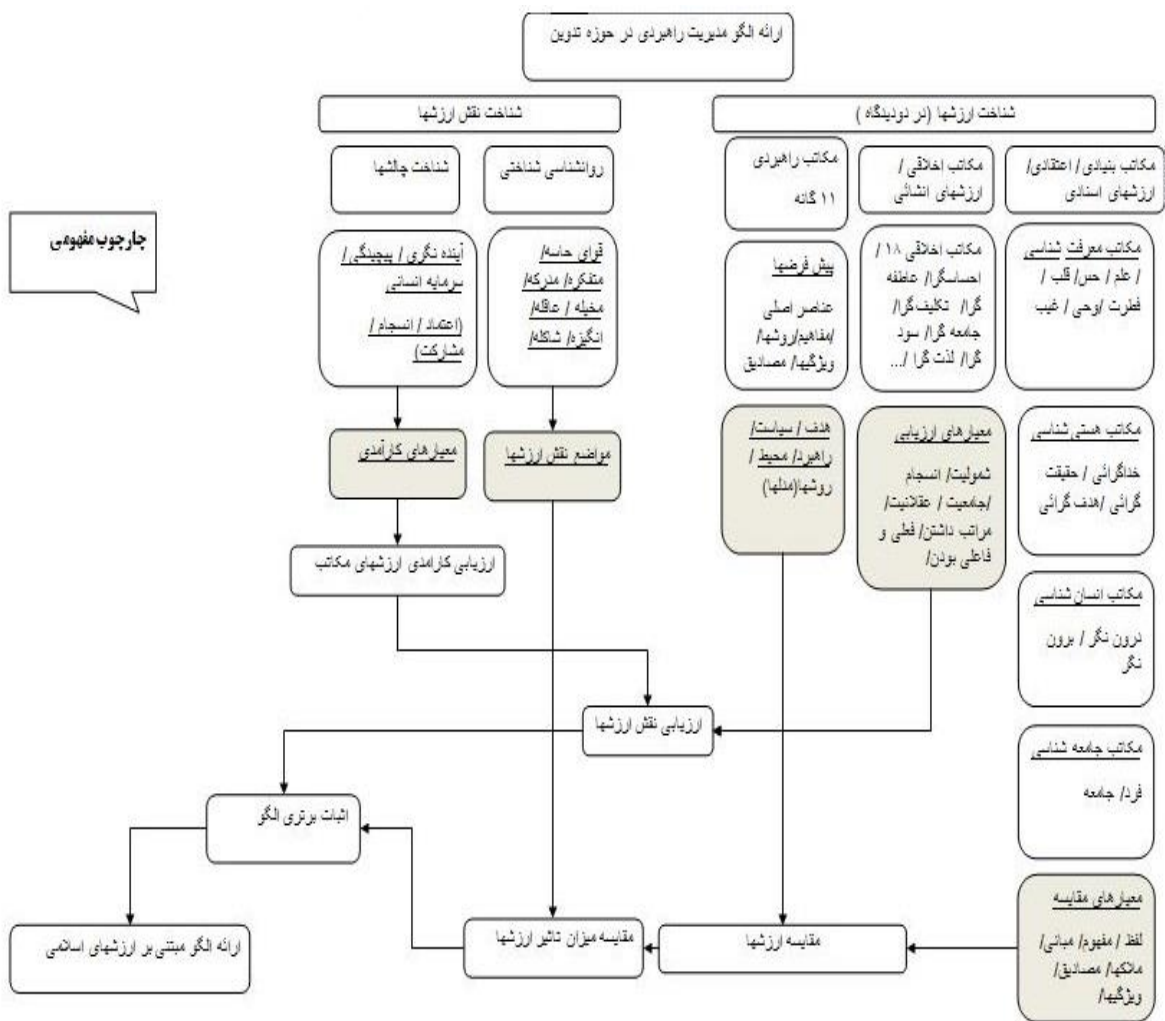
عوامل و عناصر طرحریزی راهبردی (اهداف- راهبردها- سیاستها- محیط- روشها)

مواضع نقش ارزشها در فرایند تصمیم گیری (درک-تفکر-ضمیر/ شا کله-تعقل-انگیزه)

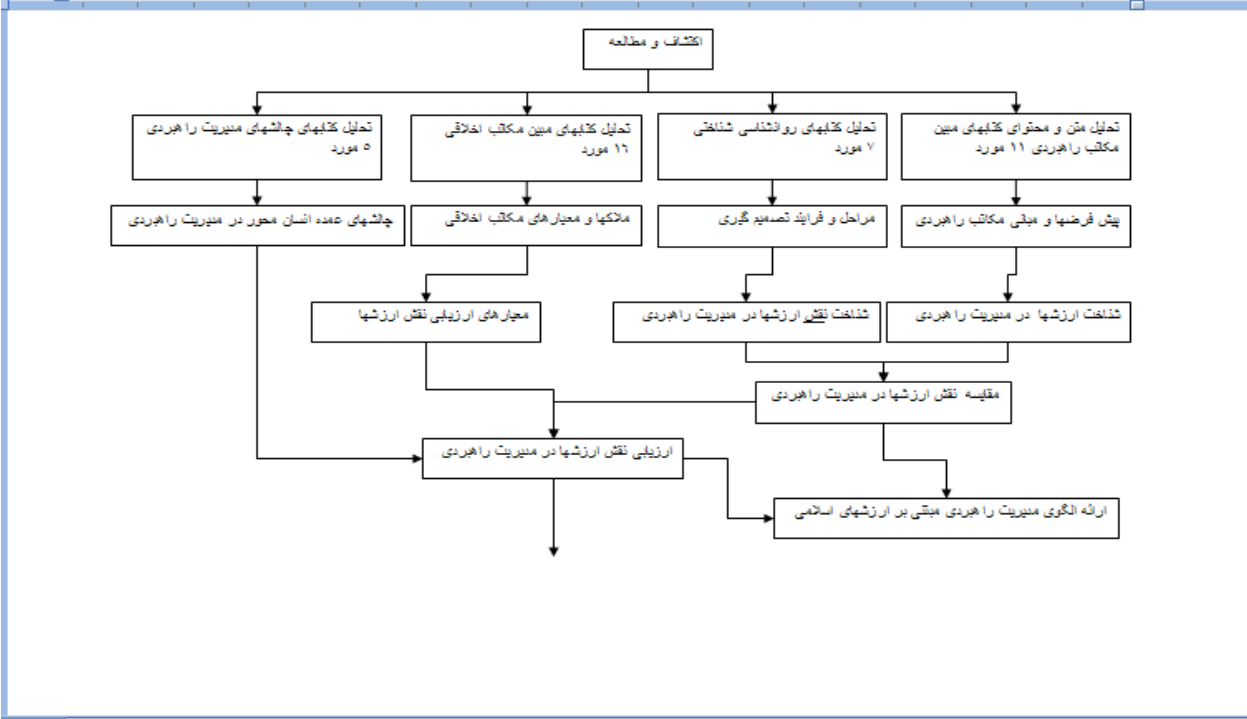


معیارهای کارآمدی (در این روش از چالشهای موجود (فوق) بعنوان معیارهای ارزیابی و سنجش کارآمدی و برتری مکتب راهبردی اسلام نسبت به سایر مکاتب استفاده شده است)

روند و فرایند این تحقیق در مدل چارچوب مفهومی آورده شده است



چهارچوب مفهومی





مدل فرایندی در این تحقیق با توجه به شیوه های اسلامی

بطور اجمال این روش تحقیق در قالب مدلهای زیر قابل توضیح می باشد

۱. مدل مفهومی رساله

۲. جدول روشهای تحقیق دینی

۳. مدل فرایندی انجام تحقیق در این رساله

۴. مدل تحقیق اسلامی برگرفته از منابع اصیل اسلامی (فقه)

نتیجه گیری

حضرت امام خمینی در اوان مجموعه جنود عقل و جهل می فرمایند:

چون احادیث شریفه اهل بیت عصمت و طهارت - علیهم السلام - را که خلفاء رحمان و خلاصه بنی الانسانند، روحانیت و نورانیتی است که در دیگر کلمات و احادیث یافت نشود؛ چه که آن از سرچشمه علم رحمانی و فیض سبحانی نازل، و دست تصرف هوا و نفس آماده از آن دور، و دیو پلید و شیطان بعید از خیانت به آن مهجور است، و نورانیت نفوس شریفه و طهارت ارواح لطیفه آن بزرگان دین و اولیاء یقین، در کلام آنها جلوه نموده، بلکه نور کلام حق از گریبان احادیث آنها تجلی فرموده؛ «**قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ**» [۲] از این جهت، نفوس لطیفه مومنان را - که از فاضل طینت آنان مخلوق [۳]، و به ماء محبت ایشان معجون است - از آن احادیث شریفه اهتزازاتی روحانی و طربهائی معنوی حاصل آید که به وصف نیاید، و رابطه معنویه بین ارواح مقدسه آنان و قلوب لطیفه اینان به واسطه آن حاصل شود.

واین که از قرآن شریف به «**حبل ممدود بین آسمان و زمین**» تعبیر شده [۴]، شاید یک وجهش همین باشد که رابطه روحانیه و واسطه معنویه بین عالم قدس و ارواح انس است. از این رو از کلمات حضرات معصومین - علیهم الصلوة و صفحه ۴

السلام - که از ارواح متعلقه به عالم قدس و نفوس منقطعه به حضرت انس صدور یافته، به «**حبل ممدود بین آسمان و زمین**» تعبیر می توان [کرد]. چه که سروران ما - علیهم السلام - آنچه در ارشاد خلق و اصلاح مخلوق بیان می فرمودند، از سرچشمه علم کامل لدنی رسول اکرم است که از صراح وحی الهی و علم ربانی بوده و از قیاسات و اختراعات، که ساخته بدست تصرف شیطان است، عاری و بری است. و همان طور که درباره رسول اکرم [صلی الله علیه و آله و سلم] وارد است که: «**مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ \* اِنْ هُوَ اِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ**» [۵] در حضرات ائمه هدی جاری و ساری است؛ چنانچه در احادیث شریفه بدان اشارت است. [۶]

مقصود مهم از صدور این احادیث شریفه و مقصد آسانی از بسط علوم الهیه، افهام نکات علمیّه و فلسفیّه و جهات تاریخیّه و ادبیّه نیست و نبوده؛ بلکه غایت القصوای آن سبکبار نمودن نفوس است از عالم مظلم طبیعت و توجه دادن ارواح است به عالم غیب و منقطع نمودن طایر روح است از شاخسار درخت دنیا، که اصل شجره خبیثه است، و پرواز دادن آن است به سوی فضای عالم قدس و محفل انس، که روح شجره طیبه است. و این حاصل نیاید مگر از تصفیه عقول و تزکیه نفوس و اصلاح احوال و تخلص اعمال.

چنانچه رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - در حدیث شریف کافی، که علم را منحصر فرمود به سه چیز [۲]؛ تعبیر از قسم اول، که علم عقاید است، به «آیه و نشانه محکمه» فرمود و این بدین نکته است که حتی علوم عقاید نیز باید آیت الهیه باشد و منظور و مقصود از آن، طلب حق و جستجوی محبوب مطلق باشد، که اگر متکلمی فرضاً یا حکیمی نقد عمر خود را صرف در شُعب مُتَشَتَّته و فنون متکثره علم کلام و حکمت کند، و علم آیت الهی و آلت حق جوئی و حق خواهی نباشد، خود آن علم حجاب، بلکه حجاب اکبر شود، و علمش علم الهی، و حکمتش حکمت الهیه نخواهد بود. بلکه پس از بحث بسیار و قال و قیل بی شمار، قلب را به عالم طبیعت کثرت، اعتناء افزون شود و روح را به شاخسار

صفحه ۸

شجره خبیثه، تعلق محکم گردد.

حکیم، وقتی الهی و عالم هنگامی ربّانی و روحانی شود که علمش الهی و ربّانی باشد و اگر علمی از توحید و تجرید فرضاً بحث کند، ولی حق طلبی و خداخواهی او را به این بحث نکشاند باشد، بلکه خود علم و فنون بدیعه آن بلکه نفس و جلوه های آن او را دعوت کرده باشد، علمش آیت و نمونه و نشانه نیست و حکمتش الهیه نیست، بلکه نفسانیه و طبیعیّه است.

پس این که نزد علماء مشهور است که یک قسم از علوم است که خودش منظور است فی نفسه - که در مقابل علوم عمَلیّه است [۳] - در نظر قاصر درست نیاید، بلکه جمیع علوم معتبره را سِمَت مقدمیت است؛ منتهی هر یک برای چیزی و به طوری مقدمه است. پس علم توحید و توحید علمی مقدمه است برای حصول توحید قلبی، که توحید عملی است، و با تعمل و تذکر و ارتیاض قلبی حاصل شود.

چه بسا کسانی که صرف عمر در توحید علمی نموده و تمام اوقات را به مطالعه و مباحثه و تعلیم و تعلّم آن مصروف کردند و صبغة توحید نیافته اند و عالم الهی و حکیم ربّانی نشده، تزلزل قلبی آنها از دیگران بیشتر است، زیرا که علوم آنها سِمَت آیه بودن نداشته و با ارتیاضات قلبیّه سرو کار نداشته اند و گمان کرده اند با مُدارسه فقط، این منزل طی می شود.

ای عزیز! جمیع علوم شرعیّه مقدمه معرفت الله و حصول حقیقت توحید

صفحه ۹

است در قلب - که آن صبغة الله است: «وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً» [۴] - غایت امر آن که بعضی مقدمه قریبه و بعضی بعیده و بعضی بلاواسطه و بعضی مع الواسطه است.

علم فقه، مقدمه عمل است و اعمال عبادی، خود، مقدمه حصول معارف و تحصیل توحید و تجرید است، اگر به آداب شرعی قلبیه و قالبیه و ظاهریه و باطنیه آن قیام شود. و نقض نتوان نمود که از عبادات چهل - پنجاه ساله ما هیچ معارف و حقایقی حاصل نیامده است، چه از علوم ما نیز هیچ «کیفیت و حالی حاصل نشده» [۵] و ما را سر و کاری با توحید و تجرید، که قره العین اولیاء - علیهم السلام - است، نبوده و نیست. و آن شعبه از علم فقه، که در سیاست مُدُن و تدبیر منزل و تعمیر بلاد و تنظیم عباد است، نیز مقدمه آن اعمال است که آنها دخالت تام تمام در حصول توحید و معارف دارند که تفصیل آن از حیطة این مختصر خارج است.

و همین نحو، علم به منجیات و مهلکات در علم اخلاق، مقدمه [است] برای تهذیب نفوس، که آن مقدمه است برای حصول حقایق معارف و لیاقت نفس برای جلوه توحید؛ و این نزد اهلش پر واضح است و برای جاحدین نیز معلوم نخواهد شد؛ گرچه «مثنوی هفتاد من کاغذ شود» [۶].

کتابشرح حدیث جنود عقل و جهل/صفحه ۱۰

... منظور ما این است که مقصد قرآن و حدیث تصفیة عقول و تزکیة نفوس است برای حاصل شدن مقصد اعلای توحید. و غالباً شراح احادیث شریفه و مفسرین قرآن کریم این نکته را، که اصل اصول است، مورد نظر قرار ندادند و سرسری از آن گذشته اند و جهاتی را که مقصود از نزول قرآن و صدور احادیث به هیچ وجه نبوده، از قبیل جهات ادبی و فلسفی و تاریخی و امثال آن، مورد بحث و تدقیق و فحص و تحقیق قرار داده اند.

حتی علماء اخلاق هم که تدوین این علم کردند، یا به طریق علمی - فلسفی بحث و تفتیش کردند مثل کتاب شریف «طهارة الاعراق» [۷] محقق بزرگ «ابن مسکویه» [۸] و کتاب شریف «اخلاق ناصری» [۹] تالیف حکیم متاله و فیلسوف